



Analytical Study of Obstacles and Pests of Orientalist Theology Based on the Teachings of the Qur'an and Hadiths

_____ Davood Komeijani ^{1*}, Robabeh Azizi ² _____

1. Assistant Professor, Islamic Denominations International, Tehran, Iran.

2. M.Sc. Department of Quran Karim Interpretation, Faculty of Quran Science, University of Quran Karim sciences, Tehran, Iran.

DOI: 10.22034/NRR.2023.50733.1134

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_15850.html

Corresponding Author:

Davood Komejani

Email:

davood.komijani@gmail.com

Received: 2022/12/03

Accepted: 2023/01/07

Available: 2023/01/27

Open Access



Keywords:

Theology, Orientalists,
Individual Beliefs, Defaults,
Research Methods.

ABSTRACT

Religious studies, although an ancient science, is an expanding study that advances new results, outcomes, and findings every year and experiences deeper depths, so that these achievements and results are very different, and secondly, the results are often credible. They have a short-term science and are transformed by criticism, denial, and ultimately reform. The important question now is, first, "What are the factors and obstacles that drive such shortcomings or changes?" And secondly, "Are these obstacles and pests rooted in researchers or is it necessary for the field and type of research ?!" The present article, by examining the conditions and characteristics of the field of research in religions, which is accompanied by a kind of analytical-exemplary critique, addresses obstacles such as "lack of necessary resources for research" and "weakness in the optimal method of research" related to the field and type of research. The individual beliefs of the researcher ", the existence of presuppositions "and" lack of spiritual understanding in religions "are considered as damages arising from researchers in this field, and the second type of damages such as" individual beliefs of the researcher ", existence of presuppositions "and also damages The first obstacles related to " Weakness in the desired research method", which originates from the personality, knowledge, beliefs and presuppositions of the researcher, should be given serious attention by the researchers in this field, so that by paying attention to them, they can improve their research as much as possible from these weaknesses.



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



بررسی تحلیلی موانع و آفات دین پژوهی مستشرقان بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات

داوود کمیجانی^{۱*}، ربابه عزیزی^۲

۱. استادیار، دانشگاه تقریب مذاهب اسلامی تهران، تهران، ایران.

۲. کارشناس ارشد، گروه تفسیر قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی تهران، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران.

DOI: 10.22034/NRR.2023.50733.1134

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_15850.html

چکیده

نویسنده مسئول:

داوود کمیجانی

ایمیل:

davood.komijani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۰۷



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

دین پژوهی، مستشرقان، اعتقادات فردی، پیش فرض، روش تحقیق.

دین پژوهی، اگر چه دانشی کهن ولی مطالعه‌ای رو به گسترش است که هر ساله نتایج، پیامد و یافته‌های نوینی را پیش رو می‌نهد و ژرفای عمیق‌تری را تجربه می‌کند، به گونه‌ای که این دست‌آوردها و نتایج، تفاوت‌های زیاد و ثاباً نتایج آن اکثراً، اعتبار علمی کوتاه مدتی داشته و با انتقادات، ردیه‌ها و نهایتاً اصلاحاتی، دگرگون می‌شوند. اکنون پرسش مهم آن است که اولاً «چه عوامل و موانعی این گونه کاستی یا تغایرها را دامن می‌زند؟» و ثانیاً «آیا این موانع و آفات از محققان ریشه می‌گیرد یا اقتضای عرصه و نوع تحقیق می‌باشد؟!» مقاله پیش‌رو، با بررسی شرایط و ویژگی‌های عرصه تحقیق در ادیان که با نوعی نقد تحلیلی - مصداقی همراه است، موانعی همچون «کمبود منابع لازم برای پژوهش» و «ضعف در روش مطلوب پژوهش» را مربوط به عرصه و نوع تحقیق و «اعتقادات فردی محقق»، «وجود پیش‌فرض‌ها» و «عدم درک معنوی موجود در ادیان» را آسیب‌هایی برخاسته از محققان این عرصه دانسته است و گونه دوم آسیب‌ها همانند «اعتقادات فردی محقق»، «وجود پیش‌فرض‌ها» و همچنین آسیب‌های نخستین موانع مربوط به «ضعف در روش مطلوب پژوهش»، که از شخصیت، دانش، باورها و پیش‌فرض‌های محقق نشأت می‌گیرد، باید مورد توجه جدی محققان این عرصه قرار گیرد تا با توجه به آن‌ها، تحقیقات خود را تا حد امکان از این ضعف‌ها پیراسته کنند.

بیان مسأله

در بسیاری از مناطق جهان، ادیان الهی و بشری، پیروان زیادی دارند و تاریخ بشر، جوامع دینی گوناگونی را تجربه نموده و این موضوع توجه برخی از اندیشمندان را به خود جلب کرده است؛ به همین جهت، دین پژوهی هر چند ریشه‌ای کهن دارد اما از ساختاری نوپا و در حال رشد برخوردار است. فراوانی محققان و تألیفات این عرصه، نشان دهنده استقبال جامعه علمی جهان، به این موضوع بسیار مهم است. برای مثال از مهم‌ترین منابع محققان در قلمرو دین‌شناسی، دایرةالمعارف سیزده جلدی «خلاق و دین»^۱ جیمز هیستینگز (۱۹۲۲-۱۸۵۲م) و سپس «دایرةالمعارف دین» شانزده جلدی با سرویراستاری میرچا الیاده^۲ (۱۹۰۷-۱۹۸۶م) که بیش از ۱۲۰۰۰ مقاله از صدها نویسنده در آن درج شده است. این مطالعات مقایسه‌ای دین و شاخه‌های وابسته از جمله روش‌های دین‌پژوهی است که اهمیت زیادی در نزد دین‌پژوهان دارد اما از آن جا که تاریخ اعتبار دست آورده‌های این علم، کوتاه است تنها پس از ۲۸ سال از انتشار «دایرةالمعارف دین» ضرورت بازنگری و ارتقاء آن سبب شده تا در یک پروژه تحقیقاتی پنج‌ساله با همکاری بیش از ۳۰۰ نفر از استادان دین‌شناس (عمدتاً آمریکائی) و با نظارت و سرویراستاری «لیندسی جونز»^۳ (استاد مطالعات مقایسه‌ای دانشگاه اوهایو آمریکا)، ویرایش جدیدی از آن سامان گرفته و در سال ۲۰۱۵ در آمریکا به چاپ برسد. در این بازنگری، هیچ مقاله‌ای از نسخه اول نیست که در بازنگری دست نخورده مانده باشد. در بعضی موضوعات قلمرو بحث وسیع‌تر شده، مثلاً در مقاله «دنایای پس از مرگ» در نسخه قبل فقط دیدگاه‌های چینی و یهودی ذکر شده بود اما در ویرایش دوم دیدگاه‌های مسیحی، یونانی، اسلامی و ژرمنی نیز لحاظ شده‌اند. بعضی مقالات هم مثل «تغییر آیین»، «ثنویت‌گرایی و سنت» به کلی حذف شده و بعضی دیگر دوباره نوشته شده‌اند، از جمله «آیین کنفوسیوس»، «ادیان ژرمنی»، «تاریخ مطالعه گنوسی‌گری»، «روش‌های مطالعه دین»، «روان‌شناسی دین»، «کاریزما»، «فولکلور»، «تجربه دینی»، «هنگامه مقدس» و «یهودیت».

در این بین برخی از موضوعات هم بسط فوق‌العاده و شاید مطلوبی یافته‌اند؛ مثلاً مدخل «قانون و دین» که حاوی سیزده مقاله در شش قلمرو مختلف شده (مانند «رابطه دین و قانون با ادبیات»، «دین و قانون با اخلاق»، «دین و نظریه نقد»، «رابطه دین با حقوق بشر»، «دین و عقوبت») یا مدخل «دین و سیاست» که به ده مقاله فرعی‌تر تبدیل گردیده است. با این وصف، آنچه بیش از هر چیز در این عرصه رو به رشد شگفت آور است، گستردگی تحقیقات، تنوع، تفاوت و حتی بی‌ثباتی در دست‌آوردهای آن است.

1. Encyclopedia of Religions and Ethics
2. Mircha Elidah
3. Lindsey Jones (استاد مطالعات مقایسه‌ای دانشگاه اوهایو آمریکا)

آثار و مکتوباتی که در عرصه دین شناسی از حدود ۲۵ قرن قبل از زمان «هرودت»^۱ و «سیسرون»^۲ تا حال موجود است، نشان می‌دهد که بسیاری از توصیفاتی که نویسندگان و محققان دین‌شناس، در خصوص ادیان مختلف داشته‌اند، به نوعی از کاستی‌های محتوایی و ساختاری برخوردار می‌باشند. امروزه در تحقیقات ادیان با انبوهی از نتایج متفاوت و حتی گاه مغایری روبرو هستیم که شاید در هیچ یکی از عرصه‌های تحقیقاتی دیگر وجود ندارد. این مسئله از تحقیقات روزافزون ادیان در دوران معاصر کاملاً مشهود است. لذا این یک سؤال جدی و مهم است که: «چه عواملی سبب این گونه کاستی یا تغایر برداشت‌ها از یک دین می‌شود؟ آیا این عوامل از محقق ریشه می‌گیرد یا اقتضای عرصه و نوع تحقیق می‌باشد؟!»

پیشینه

تحقیقات در زمینه موانع و آفات دین پژوهی چندان گستردگی ندارد؛ به طور مثال در زمینه کتب شناخت ادیان می‌توان به کتاب‌های «جهان مذهبی» از «رابر ویر»^۳، «ادیان در دنیای مدرن» از «لیندا وودهد»^۴، «شناخت و دین» از «ریستو سارینن»^۵ و ... اشاره کرد که به این موضوع در مقدمه (یا گاه متن) برخی از کتب پرداخته شده است. در زمینه مقالات نیز، مقاله «آسیب شناسی دین پژوهی معاصر» به نگارش علی اکبر صادقی رشاد، آسیب‌های دین پژوهی را به سه دسته دین پژوهی سنتی، دین پژوهی متجدد و دین پژوهی نوع سوم تقسیم کرده و معایب هر یک را معرفی کرده است. همچنین عبدالحسین خسرو پناه در مقاله «آسیب شناسی دین پژوهی معاصر» آسیب‌های دین پژوهی را ۱. نگرش کارکردگرایانه به دین، ۲. آسیب روش شناختی، ۳. آسیب جزءنگری به جای کل نگری، ۴. مغالطه اشتراک لفظی، ۵. آسیب پیش‌فرض‌ها و ۶. آسیب نسبی‌گرایی عنوان کرده‌اند. البته در کتاب «علم تطبیق ادیان» که در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده اشارات گذرایی به این موانع داشته است. مقالات انجام شده به بررسی موانع دین پژوهی در عصر معاصر و در بین آثار نویسندگان داخلی که بازتابی از جریان‌های سیاسی و اجتماعی عصر حاضر است پرداخته ولی مقاله حاضر ضمن بیان موانع دین پژوهی به دیدگاه‌های مستشرقان در زمینه قرآن کریم با روش تحلیلی - مصداقی پرداخته است.

از مجموعه این اشارات و بررسی شرایط و ویژگی‌های عرصه تحقیق در ادیان، و با نقد تحلیلی تحقیقات مشهود در ایران مانند کتاب «تاریخ جامع ادیان جهان» از «جان بی ناس»^۶ و «جهان مذهبی» از «رابرت ویر»^۷

1. Herodotus
2. Marcus Tullius Cicero
3. Robert Weir
4. Linda Vvdhd
5. Rusto Saarinen
6. John B Nass
7. William Robert Ware

و مقالات دایره المعارف‌هایی مانند «قرآن لیدن»، «اسلامی هلند»، «دین» و ... می‌توان دریافت که تلاش‌های علمی در عرصه دین پژوهی، هم از لحاظ ساختاری از محدودیت ذاتی برخوردار هستند و هم تحقیقات مذکور به نوعی دچار آسیب‌هایی بوده که گاه دست‌آوردهای آن را آلوده و حتی غیر قابل استفاده نموده است.

چالش‌های دین پژوهی

برخی از مهم‌ترین موانع و آسیب‌ها عبارتند از:

۱. کمبود منابع قابل استناد برای پژوهش: یکی از مهمترین موانع در راه دین پژوهی، کمبود منابع قابل استناد و مطمئن برای پژوهش در این زمینه است. البته این بدان معنا نیست که متون اصلی یا تفسیری مربوط به ادیان، محدود یا دور از دسترس می‌باشند؛ بلکه بالعکس، کثرت بیش از حد این گونه منابع، سبب شده تا در تشخیص اصالت آن‌ها، نوعی سردرگمی در تحقیقات ادیان، پدید آید، زیرا:

۱-۱. ادیان و مکاتب اعتقادی در جوامع انسانی از تنوع چشم‌گیری برخوردار هستند. افزون بر این، هر دین و مکتبی نیز در درون جامعه خود دارای قرائت‌های مذاهب و فرق‌های متعددی شده است که هر یک، باورها، اخلاق، احکام و شیوه دینداری خاص خود را دارند. این تکثر مکتبی با احتساب سنت‌ها و برخی اعتقادات رو بنایی پیروان یک فرقه در سرزمین‌های مختلف، موجب سردرگمی در تشخیص اصیل از بدعت‌ها، تحریف‌ها و تاویل‌های غلط شده است. این سردرگمی، موجب شده که برخی صورت مسئله را پاک نموده، به پلورالیسم دینی روی آورده، همه قرائت‌ها را دارای ارزش یکسانی بیندارند؛ جان‌هیک به عنوان بزرگ‌ترین حامی تکثر ادیان، چنین می‌گوید: «پلورالیسم دینی، یعنی قبول این نگرش که تبدیل انسان از وجودی خود محور، به خدا محور به وسیله راه‌های گوناگون در ادیان بزرگ تحقق دارد... پیروان ادیان گوناگون نباید بگویند که واقعیت مطلق یا به تعبیر ((خدا)) در واقع همان صفاتی است که آن‌ها درک کرده‌اند. آن‌ها باید بگویند که خدا این گونه برای ما ظاهر شده است و کارایی و اعتبار این تفسیرها در مطابقت با آن‌ها با واقع نیست» (جان، ۱۹۹۰: ۴۷). وقتی مبنای اصلی محقق برای پیشبرد تحقیقات، پلورالیسم حقیقت در مورد دین است، او به پیش فرض نسبییت‌گرایی دچار شده است و در آن صورت محقق بدون دغدغه دستیابی به حقیقت، واقعیت و انگاری نسبی در واقع به چالش عدم وجود حقیقت مطلق یا عدم امکان دست‌یابی به آن مبتلا می‌گردد. این ابتلاء، بر تلاش و جدیت پژوهشگران تأثیرات منفی بر جای گذاشته و پیامدهای روانی-عاطفی، انگیزشی و در نتیجه علمی و پژوهشی را در بردارد. تنها گروهی از محققان بسیار دقیق می‌توانند با همکاری مستمر و گسترده از علمای ادیان مورد بررسی، ترسیمی واقعی از تکثر ادیان ارائه دهند. این امر دقیقاً همان تفاوتی است که بین دست‌آوردهای مستشرق اسلام

شناسی مانند «هنری کرین»^۱ (۱۹۷۸-۱۹۰۳م) با بسیاری از هم عرصه‌هایش وجود دارد. چون او توانست با راهنمایی‌های عالم اسلام شناسی مانند «علامه طباطبایی» (ره)، حقیقت مکتب تشیع را در دین اسلام درک کرده و بر کلیاتی از ساختار آن واقف گردد. لذا کتاب «تشیع در اسلام» او یکی از دست‌آوردهای شاخص در این عرصه محسوب می‌گردد.

دکتر ادوارد سعید، مستشرق بزرگ معاصر پیامد تکثر گرایی نسبت انگار را چنین می‌گوید: شرق شناسی از اندیشه‌ها، دکترین‌ها، و خطوط قوی حاکم بر فرهنگ غرب مطالبی را وام گرفته و متناوباً توسط آن‌ها تغذیه شده است. بنابراین می‌توان گفت که: «مستشرق‌های گوناگونی» با صفات زیر وجود داشته و هنوز هم وجود دارند: شرق زبان شناسانه، شرق فرویدی، شرق اسپینگری، شرق داروینی، شرق نژادپرستانه و با این حال هرگز چیزی به عنوان «یک شرق ناب و غیر متکیف» وجود نداشته است (سعید، ۱۳۷۷: ۴۹).

۱-۲. تکثر مذاهب، ادیان و مکاتب درون دینی، زمینه‌ساز گستردگی در متون و منابع مربوط به هر دین را دامن زده است. علاوه بر آن، عالمان مذاهب و مکاتب هر دین برای تبیین انگاره خود به پیروان خویش، دائماً در حال تفسیر، تبیین، تولید و تدوین کتب دینی هستند. تعداد این انگاره‌ها و تبیین کتب آن چنان زیاد می‌باشند که دسترسی محققان بر همه آن‌ها به نظر غیر ممکن یا لاقابل بعید می‌نماید و بر فرض دسترسی نیز تشخیص معتبر از غیر معتبر آن‌ها، برای بسیاری از محققین امکان‌پذیر نمی‌باشد تا بتوانند با استناد به آن‌ها تحقیقات خویش را تدوین نمایند. لذا در موارد متعددی شاهدیم که یک محقق ادیان با تلاش بسیار و با مراجعه به برخی از متون تفسیری از دینی (مثلاً اسلام) برداشت‌های ناصحیحی از آن داشته و با وجود صداقت و صرف عمر دست‌آورد قابل قبولی نداشته است. نمونه‌هایی از این گونه برداشت‌ها را در دست‌آوردهای بسیاری از مستشرقین اسلام شناس مانند «ایگناز گلد زیهر»^۲ (۱۹۲۱-۱۹۵۰م)، «ژوزف فرانتس شاخت»^۳ (۱۹۶۹-۱۹۰۲م) و یا برخی نویسندگان مقالات دایره المعارف‌های ادیان به وفور می‌توان یافت.

به طور مثال، گلدزیهر در زمینه قرائت قرآن می‌نویسد: «هیچ کتاب قانونگذاری یافت نمی‌شود که جمعی معتقد باشند که آن نص و وحی الهی است و حال آنکه نص آن مضطرب و ناپایدار باشد؛ آن چنان که در مورد قرآن یافت می‌شود.» (گلدزیهر، ۱۴۱۳: ۴) در پاسخ وی باید گفت، قرآن و قرائت، دو حقیقت متغایرنند. قرآن همان وحیی است که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با هدف تبیین قوانین الهی و اعجاز نازل شده ولی قرائت عبارت است از: اختلاف قاریان و کاتبان از جهت نوشتن حروف و کیفیت ادای آن‌ها از نظر مخفف و مشدد بودن و غیر

1. Henry Corbin
2. Ignaz Isaak Yehuda Goldziher
3. Joseph Franz Schacht

آن‌ها (زرکشی، ۱۳۷۶: ۱: ۳۱۸) و آنچه که در کلام گلدزیهر نمایان است؛ اختلاف قاریان و کاتبان از جهت نوشتن و اجتهاد در خواندن است و به روشنی معلوم است که وی در بیان مسئله و پاسخ به مسئله از ابزار علمی یک محقق که همان استفاده از منابع کافی و علمی است، بهره نبرده است.

۳-۱. منابع اصلی ادیان در فرهنگ‌های متفاوت و با زبان‌های مختلفی تدوین شده‌اند؛ درک دقیق مختصات فرهنگی ادیان و دانستن درست زبان این متون، بسیار مشکل و گاه برای یک نفر غیر ممکن است. لذا محققان اکثراً به ترجمه متون یا منابع دسته چندم و برداشت‌های نویسندگان آن‌ها رجوع می‌نمایند که عمدتاً با متون اصلی تفاوت‌های محتوایی فاحشی دارد. لذا در بین دین پژوهان، آثار محققانی مانند «تئودور نولدکه»^۱ (۱۹۳۰-۱۸۳۶م) و «توشی‌هیکو ایزوتسو» (۱۹۹۳-۱۹۱۴م) از اصالت نسبتاً بیشتری برخوردار می‌باشد اما نویسندگان برخی مقالات دایره المعارف قرآن لیدن، اظهار نظرهای مهم را مستند به کتاب‌ها و آثار مستشرقان غربی نموده‌اند که منبع دسته چندم محسوب می‌شود و طبیعی است که اینگونه مقالات نمی‌تواند نام تحقیق علمی و اظهار نظر صحیح را به خود بگیرد، بلکه نقل انگاره‌ای است که از دیگر صاحب نظران وام گرفته شده است (زمانی، ۱۳۸۷: ۵۰۴). البته این نقصان را باید از ویژگی‌های ذاتی عرصه تحقیق در ادیان دانست و غالباً نمی‌توان تحقیقات ادیان را از این نقصان مبرا نمود و این محدودیت در ساختار دین پژوهی وجود داشته و خواهد داشت. باید اذعان داشت که به دلیل همین گستردگی و گاه وجود نوعی محدودیت‌های مذهبی، کمتر محقق امکان دسترسی به متون اصلی ادیان را دارد و اکثراً از ضعف منابع در دسترس و محدودیت در بهره‌مندی از آن‌ها گله‌مند هستند.

در آموزه‌های دینی، قرآن کریم، برای باورها، مستندی از کتاب آسمانی یا آثار علمی مطالبه نموده و می‌فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَا ذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (به آنان بگو: این معبودهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده‌اند، یا شرکتی در آفرینش آسمان‌ها دارند؟ کتابی آسمانی پیش از این، یا اثر علمی از گذشتگان برای من بیاورید اگر راست می‌گویید) (احقاف، ۴)

بر اساس گفته مفسران، این مطالبه گری مستند بدان روست که دلیل یا جنبه نقلی دارد و از طریق وحی آسمانی است یا عقلی و منطقی و یا شهادت و گواهی دانشمندان، ولی سخنان برخی از محققان نه متکی به وحی و کتاب آسمانی، و نه قابل اثبات عقلانی است، و نه اثری از علوم پیشینیان است که گفته آنان را تایید کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۰۲/۲۱).

هم چنین قرآن کریم در رد باور دروغین مونت بودن فرشتگان، از آنان درخواست استناد به کتاب کرده، می‌فرماید: «فَاتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (صافات، ۱۵۷) این مستند خواهی الهی بدان رو است که متن اصلی و منبع اصلی دین، برهان است: کتاب‌های آسمانی، حجت و مبنای داوری در مورد خدا هستند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۶۵/۸). به فرموده علامه طباطبائی در باره ادعای پوچ مشرکین: ((باید کتابی آسمانی ارائه دهند، تا مدعای آنان را اثبات کند.)) در بیان قرآن، داشتن دلیل و کتاب مسئله‌ای مهم است و اگر کلمه "کتاب" را بر مشرکین اضافه کرد و فرمود: "کتابتان" به این عنایت است که فرض کرد مشرکین کتابی داشته باشند که بر مدعایشان دلالت کند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۷/۲۶۳). متاسفانه در بسیاری از کتاب‌هایی که به عنوان متون دینی نگاشته شده‌است، امیال و آرزوهای گویندگان و نویسندگان آنها انعکاس یافته است. خداوند متعال در این مورد چنین گزارش می‌دهد: «وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (بقره، ۷۸) چنان که برخی از نوشته‌های منسوب به دین را از خود نوشته‌هایی معرفی می‌کنند که ربطی به نزول آیات الهی ندارد «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (بقره، ۷۹) خداوند باور عموم مشرکان را برخاسته از واژه سازی های بی مستند دانسته و در رد این گونه باورها می‌فرماید: «إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ» (نجم، ۲۳) (این‌ها فقط نام‌هایی است که شما و پدرانتان بر آنها گذاشته‌اید و هرگز خداوند دلیل و حجتی بر آن نازل نکرده؛ آنان فقط از گمان‌های بی‌اساس و هوای نفس پیروی می‌کنند) یعنی نه دلیلی از عقل بر آن دارید و نه دلیلی از طریق وحی الهی بلکه جز یک مشت خرافات و الفاظ تو خالی، چیزی نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/۵۱۶).

این شیوه در میان پیروان ادیان در طور تاریخ، سابقه دارد، قرآن کریم از نمونه دیگر آن پرده برداشته که حضرت یوسف به آن‌ها می‌فرماید: «ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ...» (یوسف، ۴۰) (این معبودهایی که غیر از خدا می‌پرستید، چیزی جز اسم‌هایی که شما و پدرانتان آن‌ها را خدا نامیده‌اید، نیست؛ خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده است.) به فرموده علامه طباطبائی از جمله حصری "أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ" استفاده می‌شود که این اسامی را غیر خود شما کسی وضع نکرده، تنها شما و پدرانتان آن‌ها را وضع نموده‌اید. آن گاه برای بار دوم این معنا را با جمله "ما أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ" تاکید کرده؛ "سلطان" به معنای برهان است و برهان بر خردها حاکمیت دارد، پس معنای جمله این است که: خداوند در باره این نام‌ها و این نامگذاری‌ها، دلیل و برهانی نفرستاده است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۱/۲۴۱).

در زمان حضرت هود علیه السلام نیز، راز و ریشه پرستش سنگ و چوب را همین برداشت های غلط و نادرست دانسته می‌فرماید: «أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ» (اعراف،

(۷۱) (آیا با من در مورد نام‌هایی مجادله می‌کنید که شما و پدران‌تان به عنوان معبود و خدا، بر بت‌ها گذارده‌اید، در حالی که خداوند هیچ دلیلی درباره آن نازل نکرده است؟!)) به گفته علامه طباطبائی مفاد این سخن آن است که آیا با یک مشت اوهام که اسم‌گذاری به اختیار خود انسان است، می‌خواهید ادعای مرا که توأم با دلیل و برهان قطعی است، جواب دهید؟ (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۸ / ۲۲۵) بدینسان به جای تکیه بر آرزوها و گفتارهای بی دلیل برخی از مردم، پیروان یا نویسندگان دینی، باید به آموزه‌های اصیل کتب وحیانی و متون اصلی دینی مراجعه نموده که در مطالعات دین شناسی، کمتر میسر می‌گردد.

۲. اعتقاد، گرایش و آرزوهای شخصی محقق: کمتر انسانی را می‌توان یافت که به پیروی از دینی یا مکتبی سر نسپرده باشد و خود را به پیروی از آن مقید نداند، این امر در مورد دین پژوهان نیز صادق است. در پژوهش‌های موجود مستشرقان، موارد متعددی را می‌توان یافت که محقق با دیدی جانبدارانه و زوایه دید خاصی به باورهای خود و دیگران و دین مورد پژوهش، نگرسته و آن را تحلیل کرده است. در آثار و یافته‌های پژوهشی دین شناسانه «ایگناز گلد زیهر» و «ژوزف شاخت» تاثیر گرایش دینیشان به وضوح قابل مشاهده است. تاثیر این باورها به گونه‌ای است که از همان آغاز، هدف، آشکارسازی نقاط سوال برانگیز دین مورد تحقیق است نه یافتن حقیقت؛ پطرس عالی قدر که اولین ترجمه قرآن را به لاتین در قرن دوازده انجام داد، هدف از ترجمه قرآن را چنین نوشته است: «حداقل، علمای مسیحیت می‌توانند با کشف و تبیین نقاط ضعف قرآن، ایمان پیروان مسیحیت را در برابر تبلیغ و دعوت اسلام، واکسینه کنند تا جاذبه‌های ناچیز قرآن، عقیده آنان را تغییر ندهد.» (سالم الحاج، بی‌تا: ۴۴) در حالی که لازم است هر کس برای ورود به حوزه دین، تعهدات شخصی و تعصبات ایمانی خویش را به دین خاصی که به آن ایمان دارد، از خویشتن دور سازد تا برداشتی واقعی داشته باشد؛ اما این امر بسیار مشکل می‌نماید از این رو؛ این نقیصه را اولاً و بالذات باید به خود فرد محقق معطوف دانست اما شرایط و ویژگی‌های تحقیق نیز به نوعی ایجاب کننده است.

قرآن کریم به صراحت این چالش را توصیف نموده و چنین بیان می‌کند که خداوند رسولان خود را یکی پس از دیگری به سوی قوم فرستاد و همه آن‌ها امت و پروردگاری واحد داشتند و مردم را به سوی تقوی دعوت کردند ولی «فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (مومنون، ۵۳) (اما آنها کارهای خود را در میان خویش به پراکندگی کشاندند، و هر گروهی به راهی رفتند؛ و عجب اینکه هر گروه به آنچه نزد خود دارند خوشحالند!). برابر نوشته المیزان، بشر به امر رسولان عمل نکرد، در نتیجه امر پیامبران بین ایشان پاره پاره شد و آن را به صورت کتاب‌هایی در آورده، هر جمعیتی کتابی را به خود اختصاص دادند و هر حزبی به آنچه داشتند دلخوش گشتند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۴۷). درحالی که خداوند متعال، مردم را از گرایش‌های گوناگونی که به آن‌ها دل خوش می‌دارند، بر حذر می‌دارد: «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ

حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (روم، ۳۱-۳۲) ... و از مشرکان نباشید. از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند! و هر گروهی به آنچه نزد آنهاست دلبسته و خوشحالند!

در آیه فوق، خصوصی‌ترین صفات مشرکان آن است که در دین متفرق، دسته دسته و گروه گروه هستند و هر حزب به دین خود، خوشحال است و علت آن به استناد آیه: «بَلْ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ، وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» (روم، ۲۹) آن است که مشرکین اساس دین خود را بر هوی و هوس نهاده‌اند و خدا ایشان را هدایت نمی‌کند و هادی دیگری هم جز خداوند نیست. به گفته مفسران، نهی از تفرقه کلمه در دین، در حقیقت نهی از این است که هواها و خواسته‌های خود را به جای عقل، اساس دین قرار دهند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲۷۳/۱۶).

پیرو سخنان علامه طباطبائی، شهید مطهری نیز می‌فرماید: گاهی انسان به چیزی اعتقاد پیدا می‌کند و این اعتقاد بیشتر کار دل و احساسات است نه کار عقل. به یک چیز دلبستگی بسیار شدید پیدا می‌کند، روحش به او منعقد و بسته می‌شود و علت و مبنای آن در تقلید از پدر و مادر، تاثر از محیط و علایق شخصی است؛ پس اکثر عقایدی که مردم روی زمین پیدا می‌کنند عقایدی است که دلبستگی است نه تفکر (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۶ / ۲۷۳). در حالی که خدا به انسان عقل و منطق داده که قضایا را با این معیار بسنجد ولی بعضی فکرها و عقیده‌ها آزاد نیستند بلکه اسیرند (حمزه السلطان، ۱۳۹۷: ۴ / ۱۲۶).

۳. وجود پیش فرض‌ها: یک پژوهشگر واقعی در جستجوی حقیقت است و می‌خواهد حقیقت و واقعیت را آن چنان که هست بشناسد، نه آن که در مورد آن قضاوت کند. اما در اکثر موارد، عواملی مانند اطلاعات پیشینی، جانبداری‌های ملی یا سیاسی، جو فکری و روانی اجتماعی محقق و ... در هدف، شیوه و نتیجه پژوهش تأثیر گذاشته و محقق با نوعی خود سانسوری، پژوهش خویش را به نتایجی خاص می‌رساند.

به بیان جان دیویی، «ما مسئول تک تک باورهای خود و حتی جزئی‌ترین و ساده‌ترین آن‌ها هستیم، حتی باور غلط یک کودک روستایی ممکن است سبب از هم گسیختگی جامعه‌ای در آینده گردد». نمونه‌های بارز این آسیب‌ها را می‌توان در چند مورد بیان کرد؛ ۱. تقویت خوی زود باوری که فرد بدون دلیل هر باوری را سریع بپذیرد و سراغی از دلایل و پشتوانه‌های آن نگیرد. ۲. عادت نمودن به باور کردن امور، بدون تقاضای دلیل و صرفاً متأثر از خوی پذیرش عادی باورها است. ۳. مطرح و گسترش دهی خرافه‌ها می‌باشد که مردم بدون دلیل به اموری ماورائی و مافوق مادی معتقد شوند و به خود القا کنند که در شرایط خاصی، باور به چیزی یا عمل به دستوری موجب نتیجه‌ای مطلوب می‌شود. ۴. علت امور را در جایی غیر از دنیا و علوم جستجو کنند و این روش اجرا شده در قرن‌های گذشته، باعث جهل انسان و عدم دستیابی‌اش به علوم بوده است (سیدی فضل‌اللهی، ۱۳۹۵: ۵۴).

موارد متعددی یافت می‌شود که یک محقق برای اثبات نظر پیش فرضانه خود، سراغ منابع ادیان رفته که موید پیش فرض او بوده و به آن استناد می‌نماید، در حالی که او می‌باید همانند یک شاگرد کنجکاو از منابع ادیان جویای حقیقت آن‌ها باشد. این بدیهی است که اگر شخص پژوهشگر در هنگام تحقیقات خود دارای پیش فرض‌هایی باشد، تحلیل‌های او بر حقایق و صحت در یافته‌ها تاثیر منفی می‌گذارد. این نقطه ضعف در آثار اسلام‌شناسان کلیسایی، از قرون ۱۲ میلادی مانند «پیتر ارجمند» (رئیس راهبان فرقه کلون) تا به حال، کاملاً مشهود و گسترده‌است.

یکی از این پیش فرض‌ها، سعادت‌مندی اخروی پیروان دین مورد اعتقاد خود و دچار شدن پیروان ادیان دیگر به جهنم است: «وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارًا تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ» (بقره، ۱۱۰-۱۱۱) (و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید؛ و هر کار خیری را برای خود از پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت؛ خداوند به اعمال شما بیناست. هیچ کس، جز یهود یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد. این آرزوی آنهاست!) حتی مومنان و مسلمانان نیز از این پیش فرض‌ها به دور نبودند و از خداوند انتظارتی داشتند، از جمله این که خطای آنان را ببخشاید و پیروان دیگر ادیان را به سختی مجازات کند، قرآن کریم می‌فرماید: «لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَ لَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَ لَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا» (نساء، ۱۲۳) (فضیلت و برتری به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست؛ هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می‌شود؛ و کسی را جز خدا، یاور خود نخواهد یافت.)

پیروی از الگوها، روش‌ها و یافته‌های پیشینیان، از دیگر پیش فرض‌ها است. «وَ قَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا» (احزاب، ۶۷) (و می‌گویند: پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند!) کافران در مقام رد اتهام از خود بیان می‌کنند که اگر امروز ما گمراه هستیم به خاطر آن است که از سروران و بزرگان خود اطاعت می‌کردیم و در این اطاعت مجبور بودیم (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۵۲۲) و یا هنگامی که موسی علیه السلام برای هدایت قوم معجزاتی از جانب خداوند می‌آورد باز هم بیان می‌کنند که ما اصلاً چنین چیزی را از نیاکان و آباء خود نشنیده‌ایم: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُفْتَرٍ وَ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ» (قصص، ۳۶) (هنگامی که موسی معجزات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: این چیزی جز سحر نیست که بدروغ به خدا بسته شده؛ ما هرگز چنین چیزی را در نیاکان خود نشنیده‌ایم!) در آیه ای دیگر همین بزرگان قوم در رد نبوت نوح علیه السلام از چنین جملاتی استفاده می‌کنند (مومنون، ۲۴). اصولاً این دل‌بستگی‌ها به قول استاد مطهری برگرفته از تربیتی است که فرد در آن بزرگ شده و به آن تعلق دارد.

بنابر پیش فرض‌های بیان‌شده، دین‌شناسان در پژوهش‌های خود درباره اسلام بیان می‌کنند: قرآن، محصول مشترک پیامبر با کمک یهودیان، مسیحیان و مشرکان است (تئودور نولدکه، بی تا: ۷۲-۹۵). به طور مثال، تنودور نولدکه، برای اثبات ادعای خود از توجیح‌های فراوانی استفاده می‌کند؛ در برخی موضوعات تاریخی از قبیل هامان (بدوی، ۱۳۸۳: ۲۷۲-۲۸۰) با استناد به عهدین مدعی می‌شود که پیامبر این مطالب را به درستی از تورات دریافت نکرده است، چون در عهدین به نحو دیگری گفته شده و قرآن با آن متفاوت است و این اشکال در قرآن، از عدم درک و دریافت صحیح مطالب عهدین بوده است (تئودور نولدکه، بی تا: ۷۲-۹۵) و یا شاتویریان (۱۸۴۸-۱۷۶۸) در آثار خود، قرآن را زندگی نامه پیامبر می‌داند که هیچ اصلی از اصول تمدن در آن نیست و نمی‌تواند کسی را تعالی ببخشد (سعید، ۱۳۷۷: ۳۱۰-۳۱۱)، هم چنین اقتباس قرآن از عهدین از جمله نکات مهم در تحقیقات مستشرقان است (کریمی نیا، ۱۳۸۵). برتری تمدن غرب بر شرق، برتری انسان غربی از هر نظر، و برتری مسیحیت بر اسلام (سعید، ۱۳۷۷: ۳۷۶-۳۷۷) از دیگر پیش فرض‌هایی است که گاهی با غرض ورزی عجین می‌شود و آثاری به شدت غیر علمی و ضد اسلامی پدید می‌آورد (دمان، ۲۰۰۰). به طور کلی، پیروی از پیش فرض‌ها همواره در آراء مستشرقان وجود داشته و خواسته یا ناخواسته در آثار خود منعکس ساخته‌اند.

از دیگر سو، عده‌ای از فیلسوفان، به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ موضع خالص و فارغ از پیش فرضی وجود ندارد که بتواند مبنای معرفت واقع شود، به نحوی که شناخت ما «از مبدئی که آغاز کرده‌ایم» مستقل گردد. بنابراین اگر این رأی صحیح باشد، یعنی اگر بتوانیم نظام‌های باوریمان را از عقاید پیشین و «پیش داوری‌ها» کاملاً بپیراییم، رویکرد مبتنی بر عقلانیت حداکثری فاقد کارایی خواهد بود (مایکل پترسون، ۱۳۷۴: ۷۷-۷۸).

امیرالمومنین علیه السلام نیز در زمینه عشق و علاقه به چیزی می‌فرماید: «مَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعْشَى بَصَرَهُ وَ أَمْرَضَ قَلْبَهُ فَهُوَ يَنْظُرُ بَعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِحَةٍ: هرکس به چیزی عشق ورزد، همان چیز چشمانش را کور و گوش‌هایش را کر و قلبش را بیمار می‌سازد. او با چشم معیوب می‌بیند.» (نهج البلاغه: خطبه، ۱۰۹) به عقیده نگارندگان، وقتی پژوهشگر قبل از انجام پژوهش دارای پیش فرض‌هایی باشد، به روشنی در روند تحقیقات از ایده پردازی تا نتایج و حتی منابعی که مورد استفاده قرار می‌دهد تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.

۴. ضعف در روش مطلوب پژوهش: تحقیق مانند هر پدیده‌ای دیگر دارای ساختار مشخصی است و مانند یک ساختمان از هندسه و نظامندی معینی برخوردار می‌باشد. اما بسیار می‌شود که به دلیل فقدان منابع و مواد، فرایند و روش نامناسب، ضعف طراحی و اجرای سازه مورد نظر، مصالح مطلوبی به دلیل ضعف طراحی و اجرای سازه مورد نظر از بین می‌رود و کارایی خود را از دست می‌دهد. این مسئله، در امر تحقیق و پژوهش نیز صادق است. باید دقت شود که مواد و مطالب به دست آمده در تحقیق، با راه و روش مناسبی تحلیل شده و با نظم و اصول منطقی تدوین گردد. از آن جا که علوم گوناگون بوده و هر یک روش تحقیق ویژه‌ای دارند، امروزه این امر یکی

از مسائل مهم تحقیقات است، به گونه‌ای که در آکادمی‌های علمی جهان، قبل از اقدام به هر پژوهشی، شیوه‌شناسی تحقیق را به گروه محققان می‌آموزند و از آن‌ها می‌خواهند ضمن رعایت نقشه راه، یافته‌های خود را طبق قواعد مشخصی با هم ردیف کرده و سپس آن را نقد و بررسی نمایند.

جان دیویی در زمینه چستی تحقیق و پژوهش می‌گوید: «تحقیق عبارت است از تغییر کنترل یا هدایت کردن موقعیت نامعین به صورت موقعیتی که از لحاظ مشخصات و روابط، کاملاً معین و ثابت می‌باشد و در وضعی قرار دارد که عناصر موقعیت اصلی، به صورت یک کل متحد، تغییر یافته‌اند» (شریعتمداری، ۱۳۶۹: ۱۳۴). از نظر عده‌ای نیز، فعالیت‌های پژوهشی دانشمندان در ارزیابی ادعاهای معرفت، دارای دو معیار منطقی و اثبات تجربی است که از طریق فرایند پژوهش به دست می‌آیند که دارای هفت مرحله اصلی؛ تعریف مسئله، فرضیه، طرح پژوهش، اندازه‌گیری، جمع‌آوری و تعمیم داده‌هاست (فرانکفورد، ۱۳۸۱: ۱۳۰-۱۳۱).

شیوه‌های متداول در عرصه تحقیقات علمی کنونی عبارتند از نقد، تحلیل، مقایسه و تطبیق که یک محقق ادیان باید با توجه خاستگاه و هدف تحقیق و روند پژوهشی خویش، در هر مرحله از شیوه مناسب آن بهره بگیرد. مسلماً استفاده صحیح و بجا از این شیوه‌ها، تأثیر مهمی در کیفیت دست‌آوردها و نتایج تحقیق خواهد داشت. این مهم، نه تنها در اکثر تحقیقات دین‌پژوهان متقدم لحاظ نشده است، بلکه در تحقیقات معاصر نیز مورد تغافل قرار گرفته است. برای مثال می‌توان به نظرات «ماکسیم رودنسون»^۱ خاورشناس روسی تبار فرانسوی، اشاره کرد؛ وی در مطالعات دین‌شناسی تطبیقی خود، در خصوص تأثیرپذیری اسلام و قرآن از تورات و انجیل می‌گوید: «مسأله عدم اصالت اسلام و تکیه آن بر سایر ادیان، موضوعی مشترک میان تمامی خاورشناسان است» (الشرق‌اوی، بی‌تا: ۸۵) در حالی که این گونه اجماع حقیقتاً وجود ندارد و به نظر می‌آید این نتیجه، بیشتر از یک ساده‌اندیشی و سطحی‌نگری حاصل شده است تا از یک تحقیق روش‌های علمی.

علاوه بر این، از دو قرن پیش که خاورشناسی علمی در همه کشورهای غربی از جمله فرانسه، ایتالیا، انگلستان، آلمان، اتریش، اسپانیا، هلند، روسیه و آمریکا آغاز شد، دین‌پژوهان برای شناخت و بررسی اوضاع فرهنگی ملل شرقی، به مطالعه منابع موجود از ملل شرق پرداختند که در مراکز علمی، سیاسی، مذهبی و حتی نظامی نگهداری می‌شدند. اما این منابع که در سال‌های متمادی توسط افراد گوناگون مانند سیاحان غربی، مبلغان مسیحی، دیپلمات‌های برخی دولت‌های استعماری، باستان‌شناسان مسیحی و یهودی نمایندگان شرکت‌های اقتصادی و حتی وابستگان سازمان‌های نظامی و امنیتی با انگیزه‌های مختلف تهیه، گردآوری و تدوین شده‌اند و در تهیه آن منابع و تدوین و بهره‌مندی از آن‌ها از شیوه و روش‌های علمی بهره گرفته نشده است. بنابراین می‌توان گفت

دستاورد‌های آنان غیر استاندارد و حتی غیر قابل اعتماد هستند. برای مثال می‌توان به گزارشات «آلساندر برنز»^۱ (۱) در سفرنامه خود به نام «سفر به خارا» که در ۳ جلد، در سال ۱۸۳۵ میلادی در لندن چاپ شد و یا به گزارشات «ادوارد ایستویک»^۲ که با عنوان «خاطرات سه سال اقامت یک دیپلمات در ایران» که در ۲ جلد، در سال ۱۸۶۱ میلادی در لندن منتشر شده است اشاره کرد.

انتخاب نادرست روش تحقیق موجب می‌شود محقق، نه تنها به نتایج درست دست نیابد بلکه از مسیر اصلی منحرف شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْعَامِلُ عَلَيَّ غَيْرَ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَيَّ غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةً السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا» (کلینی، ۱۳۶۹: ۴۳ / ۱)

«نیو بای» به عنوان یک مستشرق در مقاله‌ای تحت عنوان تحریف نوشته است: روشن است که موضوع تحریف از مناسب‌ترین سوژه‌هایی است که مستشرقان «معرض» به جمع‌آوری شواهد و اعتراضات و روایات ضعیف کتاب‌های مسلمانان برای اثبات وقوع تحریف پرداخته‌اند (زمانی، ۱۳۸۷: ۴۹۴). بعضی نمونه‌ها مثل تحریف، موارد خوبی برای تاختن برخاسته از عاطفه و نه بر اساس دلیل، به اسلام است.

در بیان قرآن، لزوم داشتن اندیشه منطقی، درست مسئله‌ای مهم است که قرآن بارها تذکر می‌دهد که همواره باید دلیلی منطقی و قانع کننده بیاورند: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (نمل، ۶۴) و اگر کسی برای ادعای خود دلیل ندارد باید منتظر حساب خداوند باشد: «وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ» (مومنون، ۱۱۷) (و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند، حساب او نزد پروردگارش خواهد بود) از این رو همه پیامبران الهی از دگر اندیشان برهان و دلیل منطقی مطالبه کرده‌اند: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِّنْ مَّعِي وَ ذِكْرٌ مِّنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُّعْرِضُونَ» (انبیاء، ۲۴) (بگو: «دلالتان را بیاورید! این سخن کسانی است که با من هستند و سخن کسانی [پیامبرانی] است که پیش از من بودند!» اما بیشتر آن‌ها حق را نمی‌دانند؛ و به همین دلیل (از آن) روی گردانند)

۵. عدم درک معنویت موجود در ادیان: اعتقادات باورهای متافیزیکی ادیان و تجربیات معنوی پیروان آن‌ها، پدیده‌ای است که بر اساس معیارهای عادی و علوم تجربی و فلسفه‌های مادی نگر، تبیین نمی‌شوند، حتی ارتباط - های عبادی و احساسات روحانی پیروان دین، تنها با درک باورهای معنوی قابل شناخت است و بس؛ لذا این سوال به صورت جدی وجود دارد که «یک محقق دین پژوه که خود شخصاً به دین مورد بررسیش مؤمن نیست، چگونه می‌تواند روح یک سنت دینی را درک کند و در آن وارد شود؟!»

1. Alexander Bernes
2. Edward Aystvyk

این مسئله‌ای «هرمنوتیکی» می‌باشد که در یک قرن گذشته همیشه موضوع بحث عرصه دین پژوهی بوده است (بلخاری قهی، ۱۳۸۲: ۲۳) و امروزه مطالعات دین شناسانه این امر را روشن کرده است. غالباً چنین تلقی می‌گردد که هیچ صورت خاصی از دین را عمیقاً نمی‌توان فهمید، مگر از درون آن دین. اما پژوهشگر «بیگانه» و غیرمؤمن که یک دین را تنها از نظر عقلی مورد بررسی قرار می‌دهد، شاید بسیاری از چیزها را در مورد یک سنت دینی معین از جمله تاریخ، ساختار و زمینه اجتماعی آن را بداند و حتی دانش او در خصوص دین مورد نظر، بسی بیشتر از یک مؤمن به آن دین باشد، ولی در عین حال از نظر عاطفی، نسبت به کلیه دعاوی آن سنت و یا در مورد وحی و الهامات ربانی و منشأ وحیانی آنها کاملاً بی‌اعتنا باشد (هیأت نویسندگان، دفتر اول/ ۱۸۸ - ۱۸۹).

به عنوان نمونه کلیفورد که خود را بنیانگذار اخلاق باور دانسته و بر این نکته تاکید می‌ورزد که نباید هیچ کس و هیچ امری را بدون دلیل پذیرفت، درباره پیامبر گرامی اسلام بیان می‌کند: «پیرو محمد به ما می‌گوید شخصیت پیامبر او آنقدر شریف و شکوهمند است که او دستور می‌دهد همه انسان‌ها را تکریم کنیم، حتی آن‌هایی که به او و رسالت الهی او معتقد نیستند» (تیموتی، ۲۰۱۰: ۱۷۹).

کلیفورد پس از نقل این سخنان می‌گوید: اگر کسی مجذوب شخصیت محمد(ص) و تاثیرات سودمند اسلام شود، فریب خورده است! (سیدی فضل‌اللهی، ۱۳۹۵: ۱۱۴) در واقع وی، از فهم اعتقاد به ایمان پس از توجه به برهان ناتوان است، زیرا ایمان برخاسته از برهان، چنان جذبه‌ای ایجاد می‌کند که خداناباوران از فهم و تجربه آن ناتوان هستند و به انتقاد از آن می‌پردازند.

این امر، نوعی سطحی‌نگری را در عرصه دین پژوهی، مخصوصاً در روش تطبیقی آن، پدید آورده است. این چالش هم از ساختار دین پژوهی و هم از شخصیت محققان این عرصه نشأت می‌گیرد. برای نمونه می‌توان به نظرات «تئودور نولدکه» و «ایزرائل شاپیرو»^۱ و «ویلهلم رودلف»^۲ در مورد مصادر قرآن و یا نظرات «ساموئل هانتینگتون»^۳ (۲۰۰۸-۱۹۲۷م) در خصوص ناتوانی ایدئولوژی در تعیین نظام بین‌الملل و عدم مطابقت مباحث غربی مساوات و آزادی مطلق در فرهنگ مغرب زمین با ارزش‌های اسلامی اشاره نمود (لامان، ۱۳۷۵: ۳۸).

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم یکی از علل مخالفت با پیامبران الهی، همین عدم درک امور متافیزیکی و معنویت برخاسته از آن بوده است. به عنوان نمونه قوم حضرت شعیب، در پاسخ به هدایت‌های وی گفتند: «یا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيراً مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا» (هود، ۹۱) (ای شعیب! بسیاری از آنچه را می‌گویی، ما

1. Israel Shapiro
2. Wilhelm Rudolph
3. Samuel Huntington

نمی‌فهمیم! و ما تو را در میان خود، ضعیف می‌بایم!) موضع برخی از مستشرقان در مطالعات دین شناختی خود در مورد آموزه‌های دین اسلام به گونه‌ای است که به جای فهم برهانی متافیزیک دین و توجه به معنویت الهی انسان، فکر می‌کنند نسبت به دین اسلام به پندارهای برتری جویانه دچار هستند که بنا به فرموده آیت الله جوادی آملی، از جمله موانع شکوفایی فطرت توحیدی انسان، پندارگرایی است؛ راز این که انسان پندارگرا از شهود حقیقت و گرایش به فضیلت، محروم می‌شود، آن است که دل‌های این گونه انسان‌ها تهی است و چیزی در آن وجود ندارد «وَأَفِدْتَهُمْ هَوَاءً» (ابراهیم، ۴۳) چون آن‌چه به دل آن‌ها راه یافته، پندار محض است و پندار هم باطل است. بنابراین، انسانی که در کمند پندار خود گرفتار است، هرگز در صدد شکوفایی فطرت خود در بعد علم و عمل نخواهد بود، نه حق را مشاهده می‌کند و نه فضایل را در زندگی خود پیاده خواهد کرد. راه زدودن پندارگرایی، شناخت حق و نیز اهل مراقبت و محاسبات بودن است (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۹۶).

دکتر «ژری که» مستشرق آلمانی و رئیس بخش شرق شناسی دانشگاه هاله آلمان در ششمین سخنرانی خویش راجع به اسلام شناسی در الجزایر به این نکته چنین اشاره کرده است: «بدون شک برداشت یک متفکر غیر مسلمان از معارف اسلامی، با برداشت یک متفکر مسلمان، فرق می‌کند؛ زیرا اولی هیچ راهی برای شناخت آموزه‌ها و دیدگاه‌های پیامبر اسلام جز ترجمه سخنان وی ندارد، علاوه بر این که همان فهم نیز تاثیر گرفته از مبانی فکری بیگانه از مبانی اسلام و روش فهم مخصوص خود اوست. بنابراین تعجبی ندارد اگر یک مستشرق در اسلام شناسی به نتایجی برسد که متفکر مسلمان به غیر آن رسیده است» (داوود عانی، ۱۳۸۰: ۱۲۶).

نتیجه‌گیری

بنابراین بیان شد، باید اذعان داشت که بسیاری از مطالعات دین شناسانه‌ای که در دوران معاصر به مخاطبان خود ارائه می‌شود، اغلب از قابلیت چندانی برای ارزیابی واقعی حقیقت ادیان برخوردار نیست و هرگز نمی‌توان با اتکای به نتایج تحقیقات و نظرات پژوهشگران این عرصه، راجع به دین خاصی، قضاوت یا موضع‌گیری نمود. چون این مطالعات از موانعی همانند «نقصان منابع لازم برای پژوهش»، «اعتقادات فردی محقق»، «وجود پیش فرض‌ها»، «ضعف در روش مطلوب پژوهش»، «عدم درک معنوی موجود در ادیان» چالش‌های بزرگی در سلامتی و صحت برآیند تحقیقات ادیان را به دنبال دارند. البته برخی از این موانع به نوعی از نقصان‌های ساختاری پژوهش ادیان هستند و چندان قابل اصلاح نمی‌باشند اما برخی دیگر از این چالش‌ها همانند «اعتقادات فردی محقق»، «وجود پیش فرض‌ها»، «ضعف در روش مطلوب پژوهش» که از شخصیت محقق نشأت می‌گیرد و می‌تواند اصلاح گردد، باید مدنظر همه محققان این عرصه قرار گیرند تا با عنایت به آن‌ها تحقیقات خود را تا حد امکان از این نقصان‌ها پیراسته سازند.

منابع

قرآن

- الشرقاوی، عبدالله، بی تا، *الاستشراق فی الفکر الاسلامی المعاصر*، بی جا، دارالفکر العربی.
- الیاده، میرچا، ۱۳۷۴، فرهنگ و دین: برگزیده مقالات دایره المعارف دین، ترجمه مجید محمدی، تهران، طرح نو.
- ایستویک، ادوارد، ۱۸۶۱م، *خاطرات سه سال اقامت یک دیپلمات در ایران*، لندن، بی نا.
- بدوی، عبدالرحمان، ۱۳۸۳، *دفاع از قرآن در برابر آرای خاورشناسان*، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد، به نشر.
- بلخاری قهی، حسن، ۱۳۸۲، *بطن متن، قرآن، تاویل و هرمنوتیک*، تهران، نشر حسن افرا.
- پترسون، مایکل، ۱۳۷۴، «*عقل گرایی و ایمان دینی*»، ترجمه امیر عباس علی زمانی، نقد و نظر، سال اول، شماره ۳ و ۴.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، *فطرت در قرآن*، قم، اسراء.
- حمزه السلطان، مهدی، ۱۳۹۷، *اندیشه مطهر (برگزیده هایی از آثار استاد شهید مرتضی مطهری)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- داوود عانی، عبدالقهار، ۱۳۸۰، *الاستشراق و الدراسات الاسلامیه*، بی جا، دارالقرآن.
- دیوبی، جان، ۱۳۶۹، *منطق: تئوری تحقیق*، ترجمه علی شریعتمداری، تهران، دانشگاه تهران.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، ۱۳۷۶، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق: محمد ابوالفضل بینا، مصر، دار احیاء الکتب العربیه.
- زمانی، محمد حسن، ۱۳۸۷، *مستشرقان و قرآن (ج ۱ و ۲)*، تهران، بوستان کتاب.
- سالم الحاج، ساسی، بی تا، *نقد الخطاب الاستشراقی*، بیروت، دار المدار الاسلامی.
- سعید، ادوارد، ۱۳۷۷، *شرق شناسی*، ترجمه عبدالکریم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سیدی فضل الهی، سید صابر، ۱۳۹۵، *فلسفه در تغییر جان دیوبی و ویلیام کلیفورد*، تهران، آموزش برتر.
- طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۴، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- فرانکفورد، چاوا / نجماس، دیوید، ۱۳۸۱، *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران، توس.
- قزائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیرنور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کریمی نیا، مرتضی، ۱۳۸۵، «*درآمدی بر مباحث زیبایی شناسی در مطالعات قرآن پژوهی غربیان با تاکید بر کتاب خداوند زیباست*»، ترجمان وحی، شماره ۲۰، ص ۳۴-۵۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، *کافی*، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامی.
- کمیحانی، داود، ۱۳۸۸، *علم تطبیق ادیان*، تهران، راه ابریشم.

- گلدزیهر، ایگناس، ۱۴۱۳، *مذاهب التفسیر الاسلامی*، ترجمه عبدالحلیم نجار، بیروت، داراقر.
- _____، بی تا، *(مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش)*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شماره ۵۴.
- لامان، ۱۳۷۵، «عوامل ارتباط بین اسلام و غرب، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها»، بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، سال دهم، شماره ۱۰۳.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، *مجموعه آثار مطهری (آینده انقلاب اسلامی ایران)*، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، *فطرت*، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، چاپ ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳، *ترجمه قرآن*، قم، دارالقرآن.

Burnes, Alexander. (2014). *Travels into Bokhara*, by Alexander Burnes. United Kingdom: Cambridge University Press.

Dammen McAuliffe, Jane. (2000). *Encyclopedia of the Quran*. Bostan: Brill.

Hick, John. (1990). *Philosophy of religion*. America Prentice: Hall.

Jones, Lindsay., Eliade, Mircea. & Adams, J. Charles. (2005). *Encyclopedia of religion*. Detroit: Macmillan Reference USA.

Noldeke, Theodor. *The Quran, in the Quran Critical Concept in Islamic Studies*, ed Colin Tumer, Vol I, PP. 72-95.

Timothy, J. Madigan. (2010). *W K Clifford and The Ethics of Belief*. Cambridge: Scholars Publishing

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی